

الحمد لله الذي جعلنا من آل أبي بكر
 ورواه عن أبيه صلى الله عليه وآله
 وأما الذي في الحديث من أن
 النبي صلى الله عليه وآله وسلم
 قال: «من أحب آل أبي بكر
 أحب آل الله» فإنه من
 أحسن ما قيل في فضل آل أبي بكر

کاظم استاد
 استاد کاظم



فلسفہ خطفہ

۴۶۵۲

۵۰۰

۲۲۱

۱

سرشناسه :	استادی، کاظم، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور :	دانشنامه خط فارسی (۱۵ جلد) مؤلف کاظم استادی. شامل: ۱. درآمدی فلسفه خط، ۲. خط در ایران (۲، ۱)، ۳. سیر تحول خط عمومی، ۴. نویسه گردانی و متون، ۵. آینده جدانویسی خط فارسی، ۶. تاریخچه تغییر خط، ۷. فعالان اصلاح الفبا و خط، ۸. اخوندزاده و تغییر خط، ۹. ملوکم خان و تغییر خط، ۱۰. مکتب اسلام و تغییر خط، ۱۱. حکم فقهی تغییر خط، ۱۲. مجموعه مقالات ۱۳. درآمدیه مجموعه مقالات، ۱۴. هولوکاست خط فارسی، ۱۵. کتابشناسی خط فارسی
مشخصات نشر :	قم: مؤلف، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری :	۶۰۰ ص (مجموع ۱۵ جلد)
شابک :	978-600-04-3323-9
وضعیت فهرست نویسی :	فیبای مختصر
یادداشت :	فهرست نویسی کامل آثار در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی :	۳۸۲۶۹۱۲

دانشنامه خط فارسی (۱۵ جلد)

سم کتاب: درآمدی بر فلسفه خط

مؤلفه: کاظم مقدم

شابک: ۳۷۲۰۶-۶۰۰۰۴-۶۷۸

شابک دوره: ۳۳۲۳-۶۰۰۰۴-۶۷۸

چاپ اول: ۱۳۹۱

تعداد صفحات: ۲۸۰

تیراژ: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: نویسی

چاپ: سلمان فارسی

پخش: انتشارات برگزیده، تهران، خیابان ایرانشهر، نبش دندتری،

پلاک ۲۳۰، طبقه ششم شمالی - تلفن: ۸۸۴۹۰۲۸۳-۵

قم، خیابان شهداء، کوچه ۲۳، پلاک ۱۶ - تلفن: ۳۷۷۴۴۱۲۵

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است.

قیمت دوره: ۳۵۰ هزار تومان

۱۹	مقدمه
۲۱	دربارهٔ خط
۲۷	چند نکتهٔ دانشی
۲۹	پیرامون فلسفه

بخش اول: پیش‌یازهای فلسفه خط

۳۷	هستی و هستی‌یاب
۳۹	شناخت هستی
۴۳	تنوع عرفی هستی
۴۴	هستی‌های ناشناس
۵۰	هستی‌های حسی
۵۳	هستی، هست
۵۴	هستی‌یاب

ارتباط چیست؟

۵۹	مفهوم ارتباط
۶۱	ارتباط حسی
۶۳	ارتباط زبانی
۶۴	مفهوم ارتباطات و اهمیت آن

۶۷	حواس و ادراک، پیش‌نیاز ارتباط
۶۹	ورودی آگاهی‌های انسان
۷۲	حسن و درک چیست؟
۷۴	مراحل احساس و ادراک
۷۶	تفاوت کلی حسن و درک
۸۰	نسبیت در حسن و درک
۸۱	شناخت در خط

۸۵	ارتباط ماورایی
۸۷	ماوراء چیست؟
۹۰	رابطه حسن و درک با حسن
۹۲	ارتباط ماورایی ذاتی یا اکتسابی

۹۵	انواع ارتباط
۹۷	ارتباط انسان و موجودات
۱۰۰	ارتباط انسان، حیوان و گیاه
۱۰۲	ارتباط میان انسان‌ها
۱۰۲	ایزار ارتباط انسان
۱۰۵	انواع ارتباط در انسان

۱۰۷	آفرینش، شروع اولین ارتباط
۱۰۹	منشأ انسان
۱۱۳	خلقت انسان
۱۱۳	آفرینش تدریجی و تکاملی
۱۱۵	آفرینش دفعی
۱۱۶	آفرینش تدریجی دفعی
۱۱۷	مفهوم ارتباط در برابر نظریه‌های آفرینش

۱۲۱	اولین ارتباط انسان
۱۲۳	اولین احساس

۱۲۴ شدت و ضعف حواس

۱۲۸ جنین و پیدایش حواس

اولین ارتباط انسان و انسان ۱۳۱

۱۳۳ نقش حواس در ارتباط انسان‌ها

۱۳۷ ارتباط و واکنش تدریجی حواس

۱۳۹ تکامل دفعی ارتباط

۱۴۱ ارتباطات ناشناخته انسان‌ها

۱۴۵ زبان مهم‌ترین عامل ارتباط

۱۴۷ اهمیت زبان

۱۴۸ تعریف زبان

۱۵۳ ابهام در تعریف زبان

اختراع زبان گفتاری ۱۵۴

۱۱ سخن و گفتار چیست؟

۱۶۲ منشأ ارتباط گفتاری

۱۶۶ زبان را یاد می‌گیریم یا ارثی است؟

۱۷۱ آزمایش پیدایش زبان گفتار

۱۷۶ علت اختراع زبان گفتاری

بخش دوم: فلسفه خط

خط ۱۸۳

۱۸۵ تعریف خط

۱۸۹ دسته‌بندی و تقسیمات خط

۱۸۹ خط دیداری، مهم‌ترین خط

۱۹۲ تعریف خط نوشتاری

پیدایش خط

۱۹۵

- ۱۹۷ منشأ ارتباط نوشتاری
- ۲۰۰ خط را فرا می‌گیریم یا ارزشی است؟
- ۲۰۴ علت اختراع نوشتار

نوشتار، فرایند ثبت مفاهیم

۲۰۷

- ۲۰۹ علت تبدیل گفتار به نوشتار
- ۲۱۱ - ثبت شخصی
- ۲۱۳ - ثبت برای آیندگان یا آموزش
- ۲۱۴ - مناسبات و کتاب یا جلوگیری از اختلاف
- ۲۱۵ - یادآوری، تذکر و هشدار
- ۲۱۶ نوشتار، ابزاری برای ثبت مفاهیم

انسان اولیه، ابتدا گفته است یا نوشته است؟

۲۱۹

- ۲۲۱ ارجحیت برای گفته است یا نوشته است؟
- ۲۲۲ روش بررسی و مطالعه - ابهام
- ۲۲۷ حجم و نفوذ کاربرد نوشتار و کلام
- ۲۲۸ ابزار نوشتن، کلید حل معما
- ۲۲۹ نتیجه در ابهام

گفتن، شنیدن، نوشتن و خواندن

۲۳۱

- ۲۳۱ ترتیب منطقی بین مهارت‌های زبان
- ۲۳۴ حالت اول؛ (زبان عام، خلق دفعی)
- ۲۳۶ حالت دوم؛ (زبان عام، تکامل تدریجی)
- ۲۳۷ حالت سوم؛
- ۲۳۸ آخرین حالت؛

خواندن و نوشتن

۲۴۱

- ۲۴۳ خواندن و نوشتن چیست؟
- ۲۴۴ انواع خواندن و نوشتن
- ۲۴۷ ابهام در معنی خواندن و نوشتن

۲۵۱	ارتباط نوشتار و گفتار یا نسبت خط به زبان گفتاری
۲۵۳	مشابهت‌های گفتار و نوشتار
۲۵۳	مشابهت اول: دلالت بر مفاهیم مشترک
۲۵۴	مشابهت دیگر نوشتار و گفتار یا خط و زبان
۲۵۴	مشابهت سوم؟
۲۵۵	مشابهت مهم دیگر مابین نوشتار و گفتار
۲۵۶	تفاوت‌ها بین نوشتار و گفتار

۲۶۱	تأثیر متقابل خط و زبان گفتاری بر هم
۲۶۳	منظور از تأثیر متقابل خط و زبان
۲۶۴	زبان گفتاری و خط نوشتاری
۲۶۵	تأثیرات کلی نوشتار و گفتار
۲۶۷	اعتراف به نوعی تأثیر نوشتار و گفتار
۲۶۹	تأثیرات جزئی نوشتار و گفتار

تحول خط و زبان ۲۷۱

۲۷۳	توجه به تحول
۲۷۴	خط و زبان پیوسته در حال تحول‌اند
۲۷۵	آیا تغییر واژه‌ها سبب تحول خط می‌شود
۲۷۸	دگرگونی در تلفظ و دگرگونی در خط
۲۸۴	تولد و مرگ زبان و خط

معمای خط و زبان ۲۸۷

۲۹۰	نظام‌های زبانی
۲۹۱	گفتار و نظام گفتاری
۲۹۳	نوشتار و نظام نوشتاری
۲۹۴	نظام‌های مجموعه زبان، قابل تغییراند
۲۹۵	شکل تصویری لغات خط، قابل تغییر است
۲۹۵	برخی از تغییرات تصویری لغات خط
۳۰۰	شکل صوتی لغات گفتار، قابل تغییر است

۳۰۱	نظام نوشتاری قابل تغییر است
۳۰۲	نظام گفتاری قابل تغییر است
۳۰۲	نتایج تغییرات نظام گفتاری و نوشتاری
۳۰۵	نظام‌های گفتاری و نوشتاری در جهان
۳۰۶	طرح معما برای زبان و ادبیات فارسی
۳۰۷	جمع بندی

۳۰۹	انواع خط
۳۱۱	انواع نشانه‌ها
۳۱۲	در حس، رنگ خط
۳۱۴	حس لمس بیرونی
۳۱۵	حس لمس داخلی
۳۱۷	حس شنیداری
۳۱۹	- خط بینایی
۳۲۲	حس بویایی
۳۲۳	- خط بویایی
۳۲۴	حس چشایی
۳۲۵	- خط چشایی
۳۲۶	حس بینایی
۳۲۹	- خط بینایی
۳۳۱	خط اشاره
۳۳۳	خط و رنگ
۳۳۶	حس زور
۳۳۷	- خط زوری
۳۳۸	حس ریاضی و اعداد
۳۴۰	- خط ریاضی
۳۴۲	جمع بندی کوتاه

۳۴۵	تبدیل خطوط به یکدیگر
۳۴۷	انواع تبدیل خط

۳۴۸	تبدیل درون خطی در یک حس
۳۵۰	تبدیل برون خطی غیر مستقیم
۳۵۲	تبدیل برون خطی مستقیم
۳۵۶	چرا انسان‌ها خطوط را تبدیل می‌کنند

	زیبایی خط
۳۶۱	۱. بردهای خط
۳۶۳	خط، فقط برای خوانده شدن
۳۶۵	خط، نه فقط برای خوانده شدن
۳۶۶	خط، فقط برای خوانده شدن اختصاصی
۳۶۸	خط، برای خلق اثر هنری
۳۷۰	انواع خط، نسبت به زیبایی
۳۷۱	زیبایی چیست
۳۷۲	خط برای زیبایی
۳۷۴	زیبایی برای خط
۳۷۷	تغییر کاربرد خط

	حق خط و نوشتن
۳۸۱	حق خط یا نوشته چیست؟
۳۸۳	حق چیست؟
۳۸۴	حق در اصطلاح
۳۸۵	متعلق و ارکان و اقسام حق
۳۸۷	حق معنوی اثر
۳۹۰	حق علمی اثر
۳۹۲	حق زیبایی اثر
۳۹۴	حق سبک نوشتاری اثر
۳۹۵	حق لغات جدید اثر
۳۹۶	حق علائم غیرحروفی نوشتار
۳۹۷	حق تغییر خط اثر
۳۹۹	حکم فقهی تغییر خط
۴۰۳	فتاوی فقهی پیرامون حق معنوی

اختراع خط نوشتاری ۴۲۱

اختراع خط

تاریخچه کلی و عمومی خطوط جهان

اختراع الفبا

تاریخ خطوط حرفی در جهان و ایران

تکثر خط

مزایا و معایب خط واحد

خانواده‌های زبان‌های جهان نسبت به خطوط

نسبت تعداد خطوط به زبانها

چرا خط به دنیا از کجاست؟

چرا خط تغییر می‌کند

مزایا و معایب کلی خط نسبت به ارتباطات دیگر

تأثیر ادراک خط در تاریخ تمدن انسان

بخش دوم: پرسنایزهای فلسفه خط

زبان و فهم انسان ۴۳۱

فهم انسان ۴۳۳

فهم انسان مبهم است ۴۳۵

فهم زبانی انسان و ارتباط ۴۳۷

فهم انسان از خطوط مبهم‌تر است ۴۳۹

فهم بعید از متن ۴۴۱

نقش اراده در معنی لفظ ۴۴۲

میزان توجه و کارکرد دستگاه شناخت و خطاهای آن ۴۴۵

مراحل شناخت حسی بدن ۴۴۷

تغییر و شناخت حسی ۴۵۰

آیا شناخت حسی بدن انسان متغیر و نسبی است؟ ۴۵۱

۴۵۲	آیا انسان تغییر می‌کند؟
۴۵۵	تغییرات عمومی و اختصاصی انسان
۴۵۸	میزان کارکرد و توجه متغیر دستگاه شناخت
۴۶۰	خطای حواس، حواک و ادراک چیست؟
۴۶۲	خطاهای عمومی و شخصی
۴۶۴	خطاهای حواس در انسان
۴۶۶	محدودیت دریافت در دستگاه حسی
۴۶۸	ضعف عملکرد دستگاه حسی
۴۷۱	نقل عمومی در اعضای دستگاه حسی
۴۷۳	خطاهای حواس در انسان
۴۷۷	خطاهای ادراک در انسان
۴۸۱	برخی از انواع خطاهای ادراک انسان
۴۸۲	خطای «عدم تمرکز»
۴۸۴	خطای «خشی‌سازی»
۴۸۶	خطای «سازگاری»
۴۸۷	خطای «یک‌نواختی»
۴۸۸	خطای «کاهش یا شدت دریافت اطلاعات»
۴۸۹	خطای «تعدد»
۴۹۱	خطای «همزمانی»
۴۹۲	خطای «پیش‌فرض‌های قبلی»
۴۹۴	خطای «تجارب قبلی»
۴۹۶	خطای «تطبیق»
۴۹۷	خطای «وجود تفاوت، در داده‌های دوتایی»
۵۰۱	خطای «علاقه به اشیاء»
۵۰۲	خطای «ماندگاری اطلاعات»
۵۰۴	خطای «کوری ادراکی»
۵۰۹	برخی منابع و مراجع
۵۱۷	کتابنامه

حمد و سپاس بی قیاس، خداوندی را که
 اشراق آفتاب ألوهیت او، در هر ذره،
 صد هزار حکمت نصیب کرد (وَرَأَى مِنْ شَيْءٍ
 إِلَّا وَ عِلْمًا خَرَائِفَةً وَ مَا تَزُكُّهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومِ)
 مَلَکِی که از یک ذره صانع او که بتأقت، در
 هر جزوی از اجزاء کائنات صد هزار عقل
 کُل را به چار بالش نشانده (إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
 يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ
 كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا) / عطار، مختارنامه

اما بعد؛

شخصاً، علاقمند به تحقیق در موضوعات مرتبط با قرآن هستم. چند سال پیش مشغول تنظیم و آماده سازی مقدمات تألیف و تهیة ابی پیرامون «تحریر و قرآن» با نگرشی نو بودم. در این میان؛

روزی، دخترم مهدیه، ورقه درس املاء مدرسه اش را به من داد، چند غلط در آن بود، و از وجود آن ناراحت می نمود. همانطور که می دیدم یاد گیری و آموزش خط فارسی بسیار مشکل و زمان بر است. این مشکل طاقت فراوان و زنجیره ای، برای مهدیه و هم سالانش، در سال دوم و سوم دبستان، بسیار پیچیده تر شد. این عیوب خط فارسی، می توانست کم کم موجب سرخوردگی او از دانش و سیر علم آموزی-اش شود.

به فکر فرو رفتم؛ ما آدم ها چرا وقتی از مشکلی عبور می کنیم، آن را فراموش می کنیم. و دیگر نسبت به حل آن برای دیگران، اقدامی نمی کنیم. ناگهان جرقه ای به ذهنم رسید. مناسب دیدم در حد امکان، برای راحتی کار دانش آموزان و پس از آن،

استادان و عموم مردم، عیوب خط فارسی^۱ را رفع کنیم، تا همه افراد، به راحتی درست بنویسند و درست بخوانند.^۲

چند روزی به این موضوع فکر کردم و در نهایت با تمام محدودیت‌هایی که برای طراحی وجود داشت، خطی را ابداع نمودم. اکنون آن را «خط استادی» نام نهادم. این خط، جدانویس است. ۲۹ شکل حروف دارد؛ البته در آن‌ها، شش مصوت نیز به شکل حرف، داخل در کلمات نوشته می‌شوند.

مانند این متن دیباچه گلستان سعدی:

۱۶ ۱۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱۱۱ ۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱
 ۱۶ ۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱

۱. معایب و اشکالاتی که طرفداران تغییر الفبا برای خط رسم می‌شمارند فراوان است. مهم‌ترین آنها از این قرارند: ۱. الفبای فارسی حروف صدادار ندارد. حرکت، که نماینده حروف باصدا هستند، به صورت حرف معینی در جزو کلمه نمی‌آیند. ۲. هر حرف شکل - آگانه مشخص و مستقلی ندارد؛ و از ۳۲ حرف الفبای فارسی تنها ۱۶ حرف آن دارای شکل مشخص می‌باشد. ۳. حروف غالباً مشابهند و با اندک غفلتی به جای هم نوشته می‌شوند و مطلب را یکلی در گم می‌سازند. ۴. بعضی از حروف، خوانده می‌شوند ولی نوشته نمی‌شوند. ۵. بعضی دیگر نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند. ۶. پاره‌ای از حروف به صورتی جز آنچه نوشته می‌شوند، تلفظ می‌شوند. ۷. بعضی حروف برای بیان چند تلفظ جداگانه به کار می‌روند. ۸. حروف در کتابت به هم متصل می‌شوند و در حجب آنکه در اول و وسط و یا آخر کلمه قرار گیرند، صورت اصلی خود را از دست داده به صورت اشکال گوناگون نمایان می‌گردند. ۹. برای ادای بعضی صداها، که در زبان فارسی همه یکسان تلفظ می‌شوند، چندین حرف مقرر شده است. ۱۰. و نیز؛ نوشتن از چپ به راست آسان‌تر است. (نگاه کنید: آرین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، زوار، ۱۳۸۷، ص ۳۴)

۲. البته اگر واقع‌بینانه با این موضوع برخورد کنیم، مشکل خواندن و نوشتن، مختص بجه‌های ابتدایی نیست؛ بلکه بزرگان، حتی در سطح اساتید دانشگاه نیز، نمی‌توانند متن‌هایی را فی‌البداهه، مسلط و سریع، بدون غلط بخوانند و یا احیاناً بنویسند. شاید انوژی و وقت بسیار زیادی از فارسی‌زبانان، بجای یادگیری محتوا و فهم علم، صرف یادگیری ابزار استفاده از منابع علمی می‌شود؛ و اگر خوب دقت شود، این نوعی عقب‌ماندگی است.

خواستم نمونه این خط و توضیحات آن را در جزوه‌ای سی‌چهل صفحه‌ای منتشر کنم؛ برای اینکه جزوه، سر و شکلی پیدا کند و قابل توجه و تأثیر گذار شود، تصمیم گرفتم آن را کامل‌تر کنم.

دست به کار شدم و در آثار گذشتگان «منتقد به خط فارسی» و نیز معاصران آن، تحقیق نمودم. نقدهای گوناگون، در حوزه‌های مختلف را جمع‌آوری نمودم.

با دسته‌بندی اشکالات خط فارسی، می‌توان

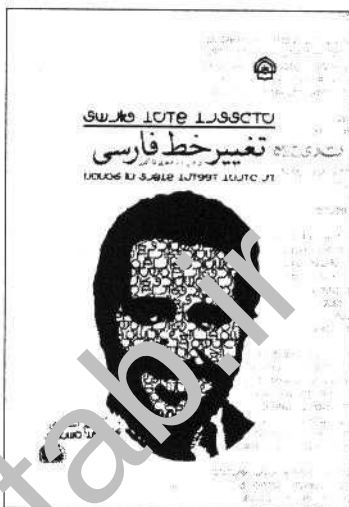
حدود بیست نوع اشکال کوچک و

بزرگ برای خط فارسی موجود، برشود. هر چند که تا کنون همه این اشکالات، متأسفانه نتوانستند عزم عمومی را بر تغییر خط فارسی، جزم کنند.

* *

تنظیم و تألیف این کار به طول انجامید. و چنانچه سال از وقتم را گرفت. و منجر به آماده سازی «دانشنامه خط فارسی» در دوازده فصل و سه جلد مجلد کتاب شد.^۱ و برای فصل اول این دانشنامه، مناسب بود مطالبی تحت عنوان «فلسفه خط» به عنوان مقدمه ورود به موضوع خط آورده شود.

فلسفه‌های مضاف، رویکرد جدید نگرش‌های فلسفی است. که «ترانسته» از جهتی، بسیار کاربردی واقع شود. در گذشته، فلسفه به عنوان نظام فکری کلی بود، که یک فیلسوف دیدگاه‌های خود را نسبت به جهان و هستی ارائه می‌داد. و برای



۱. فصل اول: درآمدی بر فلسفه خط (کتاب حاضر). فصل دوم: اختراع خط (دیداری - نوشتاری). فصل سوم: انواع خط (دیداری - نوشتاری). فصل چهارم: پیرامون خط (دیداری - نوشتاری). فصل پنجم: خط در ایران. فصل ششم: تغییر خط فارسی. فصل هفتم: پیرامون خط فارسی - عربی. فصل هشتم: بررسی خط فارسی کنونی. فصل نهم: ملاحظات طراحی خط جدید. فصل دهم: معرفی خط استادی. فصل یازدهم: خط در آینده جهان. فصل دوازدهم: کتابشناسی خط.

اینکه این نظام توضیحی، همانند یک ساختمان منسجم و قابل قبول باشد، لاجرم فیلسوف و یا فیلسوفان، مجبور بودند بسیاری از مسایل مطروحه خود را نسبت به هم و دیگر موضوعاتشان، توجیه پذیر و نامتناقض نمایند، از این رو معمولاً فلسفه‌های آن‌ها، همخوانی کامل و دقیقی با واقعیات خارجی نمی‌توانست پیدا کند. از همه مهم‌تر چون به مسایل و سوال‌ها، رویکردی کلی داشتند، بسیاری از موضوعات از دید آنها پنهان می‌ماند و به آنها نمی‌پرداختند.

ما در دوره‌های معاصر، هیچ فیلسوفی سعی نمی‌کند و حتی نمی‌تواند یک نظام کلی فلسفی ارائه دهد. بنابراین، موضوعات فلسفی، بسیار جزیی‌تر شده‌اند. و هر فیلسوف خود را موظف می‌داند، فقط به صورت موردی به برخی موضوعات بپردازد. و باینکه دارد که نتیجه تفکر او در این موضوع با دیگر موضوعات فلسفی خود یا دیگران، هم‌تنگ شد.

از این روی، هر چند ما، یک موضوع فلسفی جدید به موضوعات فلسفه‌های مضاف^۱، اضافه می‌کنیم، اما به این رویه، مطمئناً به سود بشر خواهد بود. و دقت انسان را از پیرامون خودش بر سایر موارد افزایش می‌دهد. بنابراین از این منظر، پرداختن به «فلسفه خط» نیز، کاری ضروری می‌نماید.

البته عنوان «فلسفه خط» هم، عنوانی نسبتاً کلی است. و آن را می‌توان به شاخه‌های: فلسفه خواندن، فلسفه نوشتن^۲، با سایر موضوعاتی متنوع‌تر تقسیم کرد. پرداختن به ریزموضوعات در هر رشته‌ای هم، روشن است و هم روال کار را راحت‌الوصول و علمی‌تر می‌کند. اما از آنجایی که در ایران، فلسفه خط و موضوعات

۱. فلسفه تاریخ، فلسفه طبیعت‌پزش، فلسفه تجارت، فلسفه علم شیمی، فلسفه جامعه‌شناسی، فلسفه دین، فلسفه رهیات، فلسفه زبان، فلسفه حقوق، فلسفه ادبیات، فلسفه ریاضیات، فلسفه ذهن، فلسفه موسیقی، فلسفه رنج، فلسفه فلسفه، فلسفه فیزیک، فلسفه سیاست، فلسفه روان‌شناسی، فلسفه زیست‌شناسی، فلسفه علم اقتصاد، فلسفه علم کامپیوتر، فلسفه علم، فلسفه تمایلات جنسی، فلسفه فرهنگ، فلسفه طراحی، فلسفه گفتگو، فلسفه آموزش و پرورش، فلسفه فضا و زمان، فلسفه فناوری، فلسفه جنگ، فلسفه فیلم، فلسفه پوچی، فلسفه جغرافیا، فلسفه اطلاعات، فلسفه بهداشت و درمان، فلسفه کنش (عمل)، فلسفه مهندسی، فلسفه احاطه (سلطه)، فلسفه هنر، فلسفه وجود (هستی)، فلسفه اخلاق، فلسفه فقه، فلسفه عرفان، فلسفه معرفت، فلسفه پزشکی، فلسفه فلسفه‌های اسلامی، فلسفه علوم قرآنی، فلسفه علوم حدیث، فلسفه علم کلام، فلسفه تفسیر، و...

مشابه آن، فعلاً در ابتدای راه است، ما با همان عنوان کلی «فلسفه خط» به آن می-پردازیم تا درآمدی بر این موضوعات قرار گیرد. و پیشاپیش بر کاستی‌های فراوان آن اذعان داریم.

با پیگیری‌های که انجام شد، مشخص گشت که در منابع فارسی، به این موضوع پرداخته نشده است. بنابراین مجبور شدم در حدود بیست روز، اوقات پس از نماز صبح را به نگرش انتزاعی این موضوع، اختصاص دهم. و مطالب را بدون استفاده از مدتی، از خود نوشتم. تا ماده اصلی کتاب حاضر قرار گیرد. این نوشته مختصر، حدود یکصد صفحه شد.

پس از یک سال که نظم برخی مقالات و کتابهای «دانشنامه خط فارسی» - همانی که قبلاً اشاره کردم - فارغ شدم؛ دوباره، این جزوه اولیه فلسفه خط را مرور کردم. با افزودن بسیاری از مطالب، دیگر از خود و دیگران و برخی پاورقی‌ها از منابع مجازی موجود، آن را به شکل کنونی آماده نمودم، که شامل سه بخش است.

۱. لیست برخی از آثاری که به تنهایی پیرامون خط آماده و یا نشر نموده ام، جهت اطلاع تقدیم می‌شود: کتاب‌ها: ۱. *آخوندزاده و تغییر خط*. (۲۲۰ ص). ۲. *ملک‌مندان، تغییر خط*. (۲۴۰ ص). ۳. *تاریخچه تغییر خط*، کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی (۱۳۹۱ ش). (۱۸ ص). ۴. *نویسه گردانی و متون اسلامی* (۲۰۰ ص). ۵. *کتابشناسی خط فارسی*، کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی (۱۳۹۰ ش). (۱۸۴ ص). ۷. *تندنویسی و آینده جلدانویسی خط فارسی*. (۲۰۰ ص). ۸. *اصلاح الفبا و تغییر خط*، انتشارات علم (۵۰۰ ص). ۹. *مجله مکتب اسلام و تغییر خط*، (همچنین در صورت مقاله در مجله پیام بهارستان) (۱۶۰ ص). ۱۰. *سیر تحول خط عمومی (از قرن اول تا کنون)*. (۲۰ ص). ۱۱. *مجموعه مقالات تغییر خط از ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷* (۷۰۰ ص). ۱۲. *حکیم فقهی تغییر خط*. (۲۰ ص). ...
- مقالات: ۱. *میرزا ملکم‌خان و کتاب نمونه خطوط آدمیت*، مجله بهارستان. ۲. *گامش*، خط فارسی از قرن اول هجری تا کنون، مجله بهارستان. ۳. *اندیشه تغییر خط در امپراطوری اسلام*، مجله بهارستان. ۴. *اندیشه تغییر خط در کشورهای اسلامی*. ۵. *اندیشه تغییر خط در ایران*، مجله آیین پژوهش. ۶. *روزنامه اختر و تغییر خط*، مجله بهارستان. ۷. *معرفی نسخه‌های خطی تغییر خط*، مجله آیین پژوهش. ۸. *بررسی حکم فقهی تغییر خط*، مجله پژوهشهای فقهی. ۹. *معرفی خط استادی*. ۱۰. *آخوندزاده و تغییر خط*. ۱۱. *نسبت خط عربی و مسلمانان جهان*. ۱۲. *معرفی خطوط اختزاعی در دو قرن اخیر*. ۱۳. *سیستمهای اختصار نویسی (تندنویسی)*. ۱۴. *نمونه‌هایی از سیر خط عمومی*. ۱۵. *بررسی لغات جلدانویسی فارسی*. ۱۶. *معرفی فعالان تغییر خط فارسی (دو قرن معاصر)*. ۱۷. *خطوط اختزاعی*. ۱۸. *کتابشناسی تغییر خط*. ۱۹. *معایب خط فارسی*. ۲۰. *کتابشناسی تغییر خط پس از انقلاب اسلامی ایران*. ۲۱. *استغاثات تغییر خط*. ۲۲. *جلدانویسی خط فارسی*، و...

در بخش اول،

به پیش‌نیازهای فلسفه خط پرداخته‌ایم. همانند: «هستی و هستی‌یاب»، «ارتباط چیست؟»، «حواس و ادراک، پیش‌نیاز ارتباط»، «ارتباط ماورایی»، «انواع ارتباط»، «آفرینش، شروع اولین ارتباط»، «اولین ارتباط انسان»، «اولین ارتباط انسان و انسان»، «زبان مهم‌ترین عامل ارتباط» و «اختراع زبان گفتاری».

اینکه چرا به این موضوعات پرداخته‌ایم؛ به این دلیل است که؛ نتیجه‌گیری و استنتاج بسیاری از موضوعات فلسفه خط که در بخش بعدی طرح می‌شود، نیاز به دانستن پیش‌فرض‌ها و دارایی‌های ما درباره انسان، حواس او، نوع پیدایش و ویژگی‌های انسان دارد. بنابراین لازم است که ما اطلاعاتی هرچند اندک از این‌ها داشته باشیم.



در بخش دوم،

درآمدی بر برخی از موضوعات فلسفه خط داریم. همانند: «خط»، «پیدایش خط»، «نوشتار، فرایند ثبت مفاهیم»، «انسان او»، «بند گذاشته است یا نوشته است؟»، «گفتن، شنیدن، نوشتن و خواندن»، «خواندن و نوشتن»، «ارتباط نوشتار و گفتار یا نسبت خط به زبان گفتاری»، «تأثیر متقابل خط و زبان»، «تغییر در خط و زبان»، «انواع خط»، «تبدیل خطوط به یکدیگر»، «زبان و خط»، «اختراع خط نوشتاری»، «حقی خط و نوشتن».

دانستن دو نکته در این بخش بسیار ضروری است؛ اول اینکه، سرفصل‌هایی که در این بخش طرح شده است، می‌تواند بسیار متنوع‌تر و گسترده‌تر از عناوین ذکر شده باشند. نکته دوم اینکه؛ این سرفصل‌ها، حتی‌الامکان به صورت فشرده و خلاصه طرح شده‌اند؛ بنابراین لازم است بدانیم که هر کدام از این سرفصل‌ها، قابلیت پرداختن به صورت کتابی مستقل و مفصل را دارند.

در بخش سوم،

با عنوان: «پس‌نیازهای فلسفه خط»، مهم‌ترین ابزار کارایی خط که فهم انسان است، طرح شده است. بسیار ضروری است که متوجه باشیم، فهم انسان محدودیت‌های خاص خود را دارد. و حتی جدای از آن، در دریافته‌ها و مقدمات ایجاد فهم نیز، انسان دچار خطاهایی می‌گردد.

این رصوع از آن جهت مهم است که انسان برای بهره‌بری بیشتر از خط، مجبور است تا حتی‌الامکان، به گونه‌ای رفتار نماید که کم‌ترین خطا و ابهام را در انتقال و دریافت‌ها، مرتکب گردد.

این سه بخش کارایی خط اندکی به ما می‌دهد، تا سرآغازی باشد برای کسانی که به موضوعات فلسفه خط علاقه‌مند هستند. و به واسطه مطالعه آن، بتوانند با کنجکاو و تحقیق و تفکر جدای در این مسیر، گام بردارند.

چند نکته دانستنی

قبل از خواندن این کتاب، لازم است نکاتی را بیان کنیم.

- نویسندگان زیادی، بوده و هستند که با نوع بیان و نگارش خود، بدون ضرورت، مسائل را غامض و پیچیده کرده‌اند. و شاید به همین علت، ورد سرزنش باشند. بنابراین سعی نموده‌ام تا حد امکان، ساده بنویسم؛ ولی طبع رصوع «فلسفه خط» نیز به گونه‌ای است که فهم آن، با فهم یک داستان کوتاه، ممکن است متفاوت باشد.

- مخاطبان فرضی این کتاب، چند گروه هستند. نخست دانشجویانی که در ابتدای راه تحصیل فلسفه هستند، یا فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف هنر. و نیز افرادی که بدون برخوردی از زمینه تحصیل در فلسفه، علاقه‌مندند حتی‌الامکان با مطالعه شخصی، تصویری قابل‌توجه، از موضوعات «فلسفه خط» داشته باشند.

مطالب این کتاب، غالباً فهرست‌وار ارایه شده است، چراکه شامل موضوعات بسیار متنوعی است، که هر کدام از فصل‌ها و گاهی هر کدام از عناوین زیر مجموعه یک فصل، قابلیت وسعت پرداختن، حتی به صورت یک کتاب را داراست.

چون این کتاب به عنوان درآمدی بر فلسفه خط می‌باشد، و ناگزیر بودیم تمامی سرفصل‌هایی که به این موضوع ارتباط دارند را در کتاب مطرح کنیم، بنابراین، جز متصرگی کاری از عهده ما بر نمی‌آمد. مهم توجه به این موضوع است که در فلسفه خط، باید این تنوع از موضوعات، کنار هم دیده و مورد بررسی قرار گیرند.

آنچه برای فلسفه پیدایش خط و نوشتن لازم است، توضیح این است که از چه تاریخی و با چه انگیزه‌ای، انسان‌ها، که می‌توانستند با هم صحبت کنند، از نوشتن هم استفاده کرده‌اند؛ هر فرضیه‌ای را در پاسخ به این پرسش، درباره نسل کنونی حضرت آدم (ع) مطرح کنیم، شاید نسبت به نسل‌های پیش از او هم قابل طرح باشد. بنابراین عاقلانه نیست انسان خودش را در معرض اتهام بی‌اعتقادی به آورده‌های دین اسلام قرار دهد. و باید طبق آنچه در قرآن مجید آمده است، بپذیریم که انسان از تاریخ پیش، تکلم داشته^۱ و سپس به فکر نوشتن افتاده است.

بنابراین ما هر مطلبی که از ظواهر قرآن برمی‌آید را حتماً بپذیریم، اما پرداختن به موضوع فلسفه خط، ناگزیر از طرح موضوعاتی است، که به اجبار آن‌ها پرداخته‌ام. و ایتر می‌نمودم، اگر این مطالب به عنوان سؤال و پرسش مطرح می‌شد. البته ممکن است در پرداختن یا پاسخ برخی از آنها، به بی‌راهه رفته باشیم؛ که لازم است دیگران این قدم ابتدایی ما را کامل کنند؛ تا موضوعات «فلسفه خط» گسترده و پخته گردد.

۱. فرضیه‌های دیگر، فقط فرضیه و احتمال است و هیچ سندی برای آنها در دست نیست. (و طرح کردن آن، گرچه به صورت احتمال باشد، شاید زمینه اتهام به بی‌اعتقادی به قرآن شود، بنابراین، ما پیشاپیش اعتقاد قلبی خود را به آورده‌های قرآن اعلام می‌کنیم.)

پیرامون فلسفه

اینجا قبل از خاتمه مقدمه، لازم است مقداری پیرامون «فلسفه»، برای آنهایی که آشنایی با آن ندارند، روشنگری نمایم.^۱ تا خواندن کتاب، برای آنها و مخاطبان آن جذاب‌تر باشد.

واژه فلسفه، از نظر لغوی، به معنای دوستدار حکمت و دانش است. و اصل آن مربوط به جواب معروف فیثاغورس^۲ به کسی است که از او پرسید: «تو را حکیم نامید. وی در پاسخ آن شخص، گفت که: حکیم بودن او تنها به این است که می‌داند که چیزی نمی‌داند. بنابراین باید او را حکیم بنامد؛ بلکه باید وی، دوستدار حکمت نامیده شود.

قسمت زیادی از مسائل فلسفی، حول به نحوه علم ما به اشیاء و امور است، نه مربوط به خود اشیاء و امور. شاید مسین روه است که باعث می‌شود، فلسفه فاقد محتوا به نظر رسد. یکی از مهمترین سرچشمه‌های نشاط و شادکامی، برای کسانی است که بتوانند از فلسفه بهره‌مند شوند. چرا که به انجام حقیقت و تفکر و تأمل درباره واقعیت‌ها، هدف فیلسوف است. و رسیدن به این حقیقت و هدف، موجب شادکامی است.

فلسفه، همیشه غیر مستقیم، تأثیر بسیار مهمی بر زندگی کسانی که حتی چیزی درباره آن نمی‌دانستند، داشته است. و از طرف دیگر، به پاکسازی فکر جامعه کمک نموده و بر جهان‌بینی افراد، اثر واقع شده‌اند.

-
۱. مطالب پیرامون فلسفه، اقتباسی است پراکنده از کتاب «پیش‌زمینه‌های بنیادین فلسفه»، سی - یونگ، ترجمه سید محمد یوسف ثانی، نشر حکمت.
 ۲. فیلسوف و ریاضیدان یونان باستان، او نخستین کسی بود که توانست اصول پراکنده‌ای را که ریاضیدانان نخستین عمدتاً با استقرا و آزمون و خطا کشف کرده بودند، بر پایه اصول و براهین قیاسی بنا کند. (رجینالد هالینگ دیل، تاریخ فلسفه غرب، عبدالحسین آذرنگ. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷. صفحه ۹۵).

نقش اساسی فلسفه، عبارت از ایجاد زمینه فکری و عقلی برای مظاهر خارجی و محسوس یک تمدن و دیدگاه‌های خاص آن است؛ به طوری که علم نمی‌تواند جانشین فلسفه شود. هرچند که می‌تواند مسائل فلسفی را مطرح کند. زیرا ظاهراً خود علم نمی‌تواند به ما بگوید واقعیاتی که با آنها سروکار دارد، در طرح کلی اشیاء و امور، چه جایگاهی دارند. یا حتی با ذهن کسی که آنها را مشاهده می‌کند، چگونه ارتباط می‌یابند.

خدمت بسیار ارزشمند فلسفه، مربوط به ایجاد ملکه‌ای برای کوشش در مورد فضاوتی، فافانه و همه سویه است. و یا مربوط به اینکه در هر برهان، دلیل کدام است و چه اسم دلیلی باید مورد کاوش و پی‌جویی قرار گیرد. این خدمت برای پیشگیری از خاستارهای احساساتی و نتیجه‌گیریهای عجولانه، اهمیت دارد.

ارزش فلسفه، مربوط به خود آن است. بهترین راه تضمین همین آثار عملی علوم نیز، آن است که به خاطر خود فلسفه به فلسفه بپردازیم. هرچند که برای دستیابی به حقیقت، باید سطوحی به جست‌جوی آن پرداخت.

فلسفه را معمولاً به دو موضوع فرعی تقسیم می‌کنند:

الف: مابعدالطبیعه^۱. مطالعه و پژوهش دربارهٔ واقعیت، در کلی‌ترین وجوه آن.

ب: فلسفه نقادی^۲. مشتمل بر تحلیل و نقد مفاهیم عقلی، متعارف و علوم است. چرا که علوم، مفاهیمی خاص را مفروض می‌گیرند که خود این مفاهیم را بوسیله روشهای معمول در خود این علوم، نمی‌توان مورد تحقیق و بررسی قرار داد.

بنابراین، بخش قابل توجهی از اشتغالات فلسفه، صرف شکاکیت شده است. البته کسی واقعاً دچار شکاکیت مطلق نیست، و اگر باشد، ابطال رأی او محال خواهد بود. چنین کسی نه می‌تواند مخالف خود را رد کند و نه می‌تواند چیزی، حتی شکاکیت خود را اثبات نماید. البته او

۱. metaphysics

۲. Philosophy of hypercriticism

دچار تناقض است، زیرا اثبات اینکه هیچ گونه شناختی وجود ندارد و هیچ اعتقادی حق نیست، خود اثبات یک اعتقاد است. بنابراین شما نمی‌توانید برای او ثابت کنید که برخاست؛ زیرا برای هر دلیلی، باید چیزی را مسلم فرض کند، بنابراین اگر مثلاً؛ قانون «امتناع تناقض» درست نباشد، هرگز نمی‌توان سخن کسی را با استناد به اینکه تناقض دارد، رد کرد.

همه اینها گفته شد تا اینکه قبول کنید که فیلسوف نمی‌تواند از «هیچ» شروع کرده، و همه چیز را اثبات کند، بلکه باید چیزهایی را مفروض بگیرد. به همین منظور ما نیز در فصل‌های این کتاب، برخی موارد را فرض گرفته‌ایم. و با فرض آنها، مطالب را به پیش برده‌ایم.

شما باید به دقت به این فرضیات بنیادی نگاه کنید. خیلی از این فرضیات شاید بیش و پیش از آنچه بتوان تصورش را کرد، تا خود آگاه پذیرفته شده‌اند. این‌ها معمولاً یکجا و درست، پیش فرض گرفته می‌شوند، ولی اگر قصد داریم به مطالعه جلدی در این باره دست بزنیم، بهتر است آنچه را تا خود آگاه فرض می‌گیریم، واضح و روشن کنیم.

باید توجه داشت که اگر گفته می‌شود این فرضیات اشکال رایج هستند، به این معنی نیست که باید آن‌ها را بدون تحلیل و نقد پذیرفت؛ این تصور دور از انصاف است. اما بالاخره وقتی درباره این فرضیات فکر می‌کنیم، می‌بینیم که به اندازه جالب توجه هستند، اما باید تا آنجا که زمینه‌های تجربی اجازه می‌دهد آن‌ها را مورد آزمایش قرار دهیم.



در پایان لازم است، از سرکار خانم ابراهیمی، که زحمت بخشی از حروفچینی این کار را به عهده داشتند، سپاسگزاری نمایم. و نیز سرکار خانم فاطمه امانی، جناب

آقای روح‌الله صباحی و سرکار خانم زینب بخشی که غلط‌گیری ابتدایی نوشته را به سرانجام رساندند، تشکر کنم. ضمناً از عزیزانی که کل کتاب یا بخش‌های از آن را مطالعه، و نکاتی را توجه دادند، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

همچنین علاقمندم خوانندگان عزیز، مخصوصاً هنرمندان جوان و باهوش، نظرات خود را به آدرس: ostadikazem@yahoo.com در اختیارم قرار دهند.

گرچه مقصود از کتاب، آن فن بود
گر تو اش بالش کنی هم می‌شود
لیک ازو مقصود این بالش نبوده
علم بود و دانش و ارشاد و سود

کاظم استادی

مدینه منوره / پاییز ۱۳۹۱